

اخبار

نصراللهمدقالجی:

دیگر هر روی را دوبله نمی کنم



نصرالله مدقالجی ـ دوبلور پیشکسوت کشورمان ـ با بیان اینکه دیگر مثل سابق در دوبله کار نمی کند و هر روی را نمی گوید، تأکید کرد: دوبله این روزها اوضاع خوبی ندارد و هرکسی از راه می رسد به دوبله می آید.

این صدای ماندگار دوبله در گفت‌وگو با ایسنا از حال این روزهای خودش و وضعیت دوبله گفت. مدقالجی که آبان ۱۴۰۱ جراحی قلب انجام داده بود و مدتی است که به عرصه دوبله بازگشته است، در این روزهایش را خوب توصیف می‌کند و می‌گوید: خداراشکر نسبت به گذشته خیلی بهتر هستم و چند ماهی است که مشغول کار شده ام؛ البته مدتی استراحت کردم و بعد از خوب شدنم کار و استراحت را با هم داشتم. وقتی کاری پیش می‌آید می آمد می رفتم انجام می دادم و دوباره به منزل باز می‌گشتم و استراحت می‌کردم. خداراشکر قلمم دیگر مشکلی ندارد اما کمی مشکل کانال کمر دارم و باید به پزشک متخصص مراجعه کنم و خودم را درمان کنم. این روزها فقط درد کمرم اذیتم می‌کند و مشکل دیگری ندارم. او اوضاع دوبله را مساعد تعریفی ندارد. من هفته گذشته «ارباب حلقه ها» را صحبت کردم. راستش دیگر مثل قبل کار دوبله نمی‌کنم چون دوبله حال و هوای خوبی ندارد و به نظر من تقریباً دیگر تمام شده است.

این دبلور شناخته شده سیوس به از دست دادن صداهای ماندگار و طلایی دوبله اشاره می‌کند و می‌گوید: متأسفانه خیلی از صداهای خوبمان را از دست دادم و این قطعاً به دوبله ضربه می‌زند؛ چون هر کدام از صداها مهره های موثر دوبله بودند. بزگانی مثل آقای جلیلووند، منوچهر اسماعیلی، جلال مقامی، خاتم هاشم پور و خیلی‌های دیگر که مهره‌های تایتان‌گذار دوبله بودند و آثار جادوانه ای خلق کردند اما دیگر نیستند. او تصریح می‌کند: الان وضعیت دوبله به گونه‌ای شده که هر کسی از راه می‌رسد، می‌آید و کار می‌کند. کارهایی که می‌توانند فقط زود تمام شود. من به شخصه دیگر مداوم در دوبله کار نمی‌هر روی نمی‌کنم؛ مگر اینکه رول خاصی باشد. نصرالله مدقالجی صحبت هایش را اینگونه به

پایان می‌رساند: برای همه دوستان و همکاران عزیزم سلامتی می‌خواهم. ان‌شالله همه در کنار خانواده هایشان ایام به کامشان باشد، همینطور برای شما آرزوی سلامتی و موفقیت دارم که جویای احوال بنده هستید. برای ملت عزیزم هم آرزوی سعادت، دلخوشی و موفقیت دارم.

مدقالجی از قدیمی ترین گویندگان کشورمان در حوزه دوبله متولد ۷ مهر ماه ۱۳۲۳ تبریز است. از جمله آثار شاخص او می‌توان به گویندگی به جای مایکل آتکرا در نقش اوسیفیان در فیلم «محمد رسول الله» و دلکلمه به یاد ماندنی کارتون «آن شریلی» اشاره کرد.

«عبسی مسیح»، «بینوایان»، «روزی روزگاری در غرب»، «دپرخوانده»، «هیچکاک»، «گریه های اشرافی»، «نابخشوده» و … از دیگر آثار مطرح نصرالله مدقالجی در عرصه گویندگی است.

برندگان دو بخش جشنواره کن معرفی شدند

برندگان دو بخش «دو هفته کارگردانان» و «سینه‌فونداسیون» جشنواره فیلم کن ۲۰۲۳ اعلام شدند.

به گزارش ایسنا، بخش «دو هفته کارگردانان» جشنواره فیلم کن جایزه بهترین فیلم فرانسوی‌زبان خود را در این بخش به «ایک شاهزاده» ساخته «پیر کرون» و جایزه سینه‌های اروپا برای بهترین فیلم اروپایی را به «مخلوق» ساخته «النا مارتین خیمنو» اعطا کرد. بیست و ششمین دوره «سینه فونداسیون» ویژه فیلم‌های دانشجویی نیز فهرست فیلم‌های برنده جایزه امسال خود را اعلام کرد که فیلم «فرزندان نروژی» ساخته «مارلین امیلی لیگنستا» محصول دانمارک جایزه اول به همرا ۱۵ هزار یورو، فیلم «حفره» ساخته «هوانگ هی بین» و محصول کره جنوبی جایزه دوم به همراه ۱۱۲۵ یورو جایزه نقدی و فیلم «ماه» ساخته «زینب وکریم» محصول مراکش جایزه سوم با ۷۵۰۰ یورو جایزه نقدی را دریافت کردند.

به گزارش ایسنا، ساختمان «حافظیه»، جایی که این فرش‌ها از آن خارج شده است، از جمله ساختمان‌های منسوب به نهاد ریاست‌جمهوری است که در محله سعدآباد و در کنار مجموعه کاخ‌های سعدآباد در بین سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۶ با طراحی «حسین شیخ زین‌الدین»، در آستانه برگزاری هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی ساخته شد.

در توضیحات موجود درباره ساختمان حافظیه آمده است: «باغ سعدآباد یکی از باغ‌های باارزش تهران است که با مجموعه ساختمان مهمانسرای حافظیه در حاشیه جنوبی آن و در زمین‌های احداث‌شده که فاقد درخت بوده و به عنوان زمین ورزشی از آن استفاده می‌شد. با خرید چند خانه و مدرسه و تخریب بناهای موجود در آن‌جا، فضای مناسبی در جلو ساختمان ایجاد شد. با آن‌که ساختمان در حدود ۲۵هزار متر مربع مساحت دارد، سطح بزرگی از فضای باغ را اشغال نکرده و بسیاری از قسمت‌ها در زیرزمین قرار گرفته‌اند.»

درحال حاضر کاربری این ساختمان بیشتر برای برگزاری اجلاس و به عنوان مهمانسرای سران کشورها است. در اسفند سال ۱۳۹۸ از ساختمان حافظیه برای برگزاری جلسات ستاد کرونا استفاده می‌شد که نقدهایی به این تصمیم وارد شد و رئیس دفتر رئیس‌جمهور وقت نیز در پاسخ به آن انتقادها، گفته بود: «در مجموعه پاستور سالن مناسبی برای برگزاری جلسات با پروتکل‌های خاص تعیین‌شده از سوی وزارت بهداشت وجود ندارد و ساختمان حافظیه دارای سالن جلسات مناسبی است که می‌توانیم با حفظ پروتکل‌های تعیین‌شده از جمله حفظ فاصله میان افراد، جلسات را در این مکان برگزار کنیم. کاخ‌های سعدآباد در مجموعه‌های دیگر و در مجاورت ساختمان حافظیه است که رئیس‌جمهور تنها در یکی از آن‌ها از رؤسای جمهور

مطابق ماده ۳ «آیین‌نامه اموال فرهنگی، هنری و تاریخی نهادهای عمومی و دولتی» (مصوب سال ۱۳۸۱ و اصلاح آن در سال ۱۳۸۳)، کلیه اموال فرهنگی و تاریخی و هنری دولتی که در اختیار وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی غیردولتی و دستگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و مراکز فیمات از ساختمان حافظیه مستقر است، «غیرقانونی اموالی نظیر ۴۸ تخته فرش دستباف نفیس وگران‌قیمت از ساختمان حافظیه محسوب است. نوشت: «غیرقانونی تخته فرش نفیس در ساختمان حافظیه نهاد ریاست‌جمهوری در سعدآباد ناپدید شده است. در دولت سیزدهم تیم ویژه‌ای با همکاری سازمان‌های نظارتی تشکیل شده و به بررسی همه‌جانبه موضوع مفقود شدن فرش‌های نفیس در دولت قبل پرداخته شده است.» در این گزارش با استناد به نظر کارشناسان «با توجه به قدمت تاریخی آن فرش‌ها، نوع طراحی، مکتب هنری و خصوصیات فیزیکی ارزش نسبی آن‌ها مبلغی معادل ۱۲۷ میلیارد تومان» اعلام شده است. همچنین اشاره شده است که «این ده تخته فرش ارزش‌گذاری‌شده جزء نفیس‌ترین فرش‌های نهاد بوده و متعلق به سبک‌های مشهدی (عمووغلی)، اصفهان و تودشک است که یکی از آن‌ها از نظر قدمت به دوره قاجار می‌رسد. تصاویر برخی از این فرش‌ها در کتاب «گنجینه تار و پود، مجموعه تصاویر دومین کلکسیون بزرگ فرش جهان» در سال ۹۱ منتشر شده است.»

گزارش مذکور همچنین اشاره کرده که «فرش‌ها در بازه سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ از ساختمان خارج شده است.» تا کنون واکنش‌های مقامات دولت‌های قبل و حال حاضر تأیید کرده که این فرش‌ها، که البته در تعداد و سال خروج آن‌ها ابهام مطرح شده، از ساختمان حافظیه خارج شده‌اند. اما سوال این است که، اگر آن‌چنان که در گزارش‌های برخی رسانه‌ها اشاره شده این فرش‌ها قدمت و ارزش تاریخی داشته، چرا فهرست آن‌ها تا کنون در اختیار وزارت فرهنگ،

فرش‌های ناپدیدشدهٔ سعدآباد کجاست؟

ابهام در سرنوشت قالی‌های تاریخی

خروج فرش‌های ساختمان «حافظیه» سعدآباد با اطلاعاتی متناقض و مبهم درحالی «تأیید شده» که سرنوشت این فرش‌ها همچنان نامعلوم است.



توضیحات و واکنش عزت‌الله ضرغامی ـ وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ـ به ناپدید شدن فرش‌های ساختمان حافظیه در مجاورت مجموعه سعدآباد نیز چنین بوده است: «در جریان بازدید غیر

از این اتفاق که به دوره‌های مختلف مربوط است، خود آن مجموعه (سعدآباد) به طور کامل در اختیار وزارتخانه‌ها و فرهنگی نیست، یعنی بخشی از کاخ سعدآباد در اختیار دستگاه‌های دیگر است که وظایف قانونی‌شان را انجام می‌دهند. درباره فرش‌های سعدآباد یک پرونده‌ای مربوط به سال‌های ۹۵ ـ ۹۶ است و با این‌که مربوط به این دوره نبوده، اما دستور بررسی آن را داده‌ام. حراست بعد از صحبت با نهادهای مختلف، گزارش مقدماتی ارائه کرد که هنوز قابل استناد نیست. من خواستم که اطلاعاتی را استخراج کنند، حتما باید اطلاعات به نظر مردم برسد تا مسأله روشن شود، هم اصل قصه و هم کیفیت و چگونگی آن.»

علی‌اصغر مونسان، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در دولت قبل، که گزارش‌های برخی رسانه‌ها خروج این فرش‌ها را همزمان به دوره ریاست او بر میراث فرهنگی نسبت داده‌اند، نیز در پاسخ به این پرسش که «آیا فرش‌های مفقودشده از ساختمان حافظیه به دلیل ارزش تاریخی که داشتند جزء اموال تحت نظر میراث فرهنگی بودند؟» به رسانه‌ها گفته است: «نه، اینطور نیست که این فرش‌ها تاریخی بوده باشند. آنچه در اختیار میراث بوده خیالتان راحت باشد که سر جایش است. پروتکل‌های بسیار سختی هم درمورد این اموال اعمال می‌شود. من در جریان این مطلبی که مطرح شده نیستم، اما می‌دانم به موزه‌های سعدآباد ارتباطی نداشته است. اگر این فرش‌ها تاریخی بود، در اختیار میراث بود و در موزه‌های ما قرار داشت.

اموال ما سر جایش است. امکان ندارد که این فرش‌ها اثر تاریخی بوده باشند و در اختیار نهاد قرار گرفته باشند. هر آنچه تاریخی بوده و اموال میراث فرهنگی بود سر جایش است. آنچه در موزه‌های سعدآباد بوده مطمئن نیستم که بنکسی متوجه عواقب ناخوaste آن بر صاحبان خانه باشد. اگر می‌توانستیم زمان را به عقب برگردانیم، این کار را می‌کردیم.»

ش. مطمئن نیستم که بنکسی متوجه عواقب ناخوaste آن بر صاحبان خانه باشد. اگر می‌توانستیم زمان را به عقب برگردانیم، این کار را می‌کردیم.»

ش. مطمئن نیستم که بنکسی متوجه عواقب ناخوaste آن بر صاحبان خانه باشد. اگر می‌توانستیم زمان را به عقب برگردانیم، این کار را می‌کردیم.»

ش. مطمئن نیستم که بنکسی متوجه عواقب ناخوaste آن بر صاحبان خانه باشد. اگر می‌توانستیم زمان را به عقب برگردانیم، این کار را می‌کردیم.»

ش. مطمئن نیستم که بنکسی متوجه عواقب ناخوaste آن بر صاحبان خانه باشد. اگر می‌توانستیم زمان را به عقب برگردانیم، این کار را می‌کردیم.»

ش. مطمئن نیستم که بنکسی متوجه عواقب ناخوaste آن بر صاحبان خانه باشد. اگر می‌توانستیم زمان را به عقب برگردانیم، این کار را می‌کردیم.»

کریم امامی که بود و چه کرد؟

داشت، ۲۴ عنوان از داستان‌های او را به فارسی ترجمه کرد. هرچند ترجمه‌های دیگری هم از این مجموعه به چاپ رسید، اما در ایران همه کریم امامی را به عنوان مترجم سستی این مجموعه می‌شناسند. نثر خاص امامی در ترجمه آثار ادبی دنیا، او را مترجمی صاحب سبک و توانا کرده بود. عبدالحسین آذرنگ در کتاب «در گیر و دار کتاب و نشر»، امامی را «مترجم موقعیت» می‌داند؛ «امامی هم می‌توانست با لحن محاوره‌ای و صمیمی بنویسد و هم به نوشتن خشک و رسمی اشراف داشت. هرچند در محافل رسمی از نوع نوشته‌های صورتی و خشک بیشتر استفاده می‌کرد، اما میل او به جانب ساده‌نویسی، درآمیختن نوشته با طنز و شوخطبعی و بیرون کشیدن مخاطبانش از فضای رسمی بود و این کار را آگاهانه انجام می‌داد.»

تجف دریابندی امامی را نویسنده انگلیسی‌زبان می‌دانست و گفته بود: «تبحر او در زبان انگلیسی به حدی بود که می‌توانم بگویم او نویسنده‌ای انگلیسی‌زبان بود.»

کریم امامی مجموعه مقاله‌های خود درباره ترجمه را در کتابی با عنوان «از پست و بلند ترجمه» منتشر کرد. او در این کتاب گفته است: «در زبان فارسی ضرب‌المثلی که به کار ترجمه و مترجم مربوط شود، نیاقتم، لایب به این سبب

که مترجمی مثل سخن‌چینی و سورچرانی از مشاغل رایج نبوده است». دیگر اثر تألیفی او فرهنگ فارسی به انگلیسی «کییما» در دو جلد است که توسط انتشارات فرهنگ معاصر به چاپ رسیده است.

امامی داستان‌های کوتاهی از نویسندگان مطرح نظیر صادق هدایت، جمال میرصادقی و غلامحسین ساعدی را به انگلیسی ترجمه کرده است. از فعالیت‌های

فرهنگ و هنر

خبر

ترس ناشی از اخبار بیماری‌های مرگ‌آور یا ما چه می‌کند؟

«سنجش هراس ناشی از اخبار بیماری‌های واگیردار و مرگ‌آور» از پژوهش‌های مطرح‌شده در همایش اخیر «ارتباطات سلامت: مسائل و چالش‌های نوین» بود که در آن تأکید شد، «برجسته‌سازی‌های رسانه‌ای می‌تواند در هراس ناشی از اخبار بیمارهای واگیردار و مرگ‌آور تعیین‌کننده‌باشند.»

به گزارش ایسنا، بهنام معزی، دانشجوی دکتری علوم ارتباطات واحد علوم تحقیقات تهران که در تالار همایش انجمن علمی - دانشگاهی ارتباطات دانشگاه تهران سخن می‌گفت، در توضیح تحقیق انجام‌شده توسط وی یادآور شد که «این پژوهش به قبل از پاندمی کرونا برمی‌گردد. زمانی که انفولانزای خوکی در جهان شایع بود و خبرهایی از این بیماری در رسانه‌های ایران نیز فراگیر شده بود.»

تجربه‌ی فعالیت خبری و مشاهدات این فعال رسانه از مواجهه مردمی با اخبار انفولانزای خوکی، او را بر آن داشت تا با هدف سنجش هراس ناشی از اخبار بیماری‌های واگیردار و مرگ‌آور، کارکرد رسانه در ایجاد احساس سلامت در مردم را بررسی کند.

معزی در توضیح پژوهش خود، بیان کرد: تجربه‌و تحقیقات نشان می‌دهد که بازنامه‌ی‌های رسانه‌ای در جریان اخبار بیماری‌های واگیر و مرگ‌آور، می‌توانند تأثیرات خلقی گوناگونی در مخاطبان ایجاد کند. دغدغه‌من در این پژوهش دریافت میزان هراس ناشی از اخبار بیماری‌های واگیر و مرگ‌آور در مردم بود تا از طریق آن، رسانه‌ها درک درستی از ترس‌های مخاطبان داشته باشند و بتوانند ضمن ایجاد احساس سلامت در مردم، آن را ارتقا دهند.

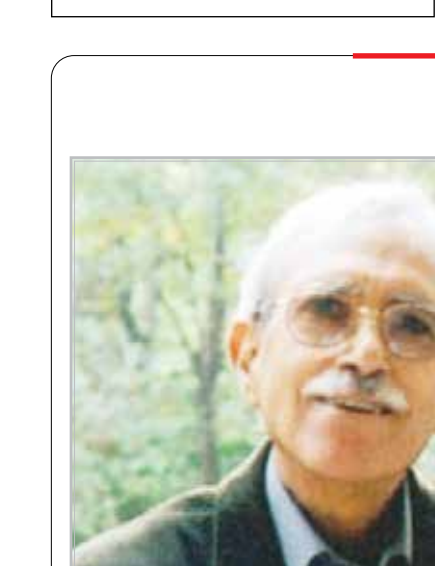
این فعال رسانه که در پژوهش خود از نظریه‌های ارتباطی «ویزگی‌های ماندگار هراس» و تأثیر «مطلوب و نامطلوب رسانه» و نظریه جامعه‌شناسی «کسب اطلاعات در زمان بیماری‌ها» استفاده کرده است، اضافه کرد: «برجسته‌سازی‌های رسانه‌ای می‌تواند در هراس ناشی از اخبار بیمارهای واگیردار و مرگ‌آور تعیین‌کننده‌باشند.

معزی که این پژوهش را به روش پیمایشی برای باانامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران به سرانجام رسانه است، گفت: جامعه آماری این پژوهش «مردم مسافده شهر تهران» بودند. پرسشگر با حضور در ۵ منطقه تهران، پرسشنامه‌ها را به نمونه‌های در دسترس ارائه داد و ۴۰۰ پرسش‌نامه در مجموع تکمیل شد. یافته‌های پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی استخراج شد. بخش استنباطی به منظور پاسخ به پرسش‌های پژوهش از آزمون دوچمله‌ای استفاده شد. این آزمون امکان نسبت مشاهده شده و نسبت مورد انتظار را برای محقق فراهم کرد.

وی ادامه داد: نتایج این مطالعه نشان داد «میزان هراس ناشی از اخبار بیماری‌های واگیردار و مرگ‌آور» و «میزان کارکرد نامطلوب رسانه»، پایین‌تر از نقطه مورد انتظار بود. «میزان رضایت و احساس سلامت از اخبار و منابع دقیق ایجاد آگاهی و رضایت مخاطبان در مواقع انتشار اخبار بیماری‌های واگیردار و مرگ‌آور، بالاتر از نقطه مورد انتظار بود.

این فعال رسانه با بیان اینکه هراس مخاطب هر چقدر هم کم باشد، مساله مهمی است تأکید کرد: بر اساس یافته‌های این مطالعه که نشان داد مردم «کمتر از میزان مورد انتظار» از خواندن اخبار بیماری‌های واگیر و مرگ‌آور دچار هراس می‌شوند، اما این میزان، قابل اهمیت و داده‌ی مهمی است؛ چراکه مخاطبانی بودند (۱۶۵ نمونه ۴۱ درصد) که هراس ناشی از اخبار بیماری‌های واگیردار و مرگ‌آور، برهم خوردن روز کاری و نگرانی از وضعیت سلامت بستگان و نزدیکان را برایشان موجب شده بود که قابل تأمل است. همچنین فرضیه میزان افزایش و کاهش «هراس ماندگار در مردم» در تأثیر با «بازنامه‌ی اخبار» در زمان انتشار اخبار بیماری‌های واگیردار و مرگ‌آور از طریق رسانه‌ها در این پژوهش تأیید شد که جای کار پژوهش کیفی دارد.

او با بیان اینکه در جریان انبوه اطلاعات در رسانه‌ها، نمی‌توان مانع انتشار اخبار هراس‌آور و اخبار مزاحم و میر به دلایلی شیوع انواع بیماری‌ها شد، اظهار کرد: در این پژوهش تأیید شد که خبرهای بیماری‌های واگیر و مرگ‌آور با بازنامه‌ی نامناسب می‌تواند موجب هراس در مردم شود. در نتیجه می‌توان در کنار اطلاع‌رسانی، به تکنیک‌ها و تاکتیک‌های بازنامه‌ی اخبار برای ارتقاء احساس سلامت مردم با کارکردهای رسانه‌ای مطلوب اندیشید.



دیگر این مترجم می‌توان به ترجمه برخی از شعرهای شاعران ایرانی به زبان انگلیسی اشاره کرد. شعر «تولدی دیگر» فروغ فرخزاد، «صدای پای آب» سهراب سپهری و مجموعه ۷۰ رباعی از خیام از جمله این شعرها هستند.